

در گفت‌وگوی دبیر شورای عالی
آموزش و پرورش عنوان شد



در آینده کتابهای آموزشی با مهر استاندارد آموزش و پرورش منتشر می‌شوند



● مرتضی نصیری

اشاره

در جریان گفت‌وگو با «دبیر شورای عالی آموزش و پرورش» بیش از هر موضوع دیگری، تعلیم و تربیت و ضرورت تعیین و تنقیح راهبردهای آموزشی در کشور تأکید شد. به باور **مهندس مهدی نوید**، آموزش و پرورش از آن دست مقولات مهم و اثرگذاری است که دامنه تأثیر آن تقریباً تمامی آحاد جامعه را در بر می‌گیرد. از این رو می‌توان آن را عصاره سیاست‌گذاریهای کلان کشور دانست و نحوه عملکرد مسئولان و میزان موفقیت یا ناکامی آنها را به محک عملکرد آموزشی و پرورشی کشور سنجید.

نوید در این گفت‌وگو بارها و بارها به نیاز اساسی جامعه به تحول در رویکردهای فرهنگی و تربیتی در آموزش و پرورش اشاره و تأکید کرد: «اگر خواهان محقق شدن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور هستیم، باید آموزش و پرورش و زیر مجموعه‌های آن، از قبیل نهادها و کتابهای کمک آموزشی را متناسب با شرایط و مقتضیات زمان متحول کنیم و برای تحقق این امر نیاز به همراهی همه مسئولان و فرهنگیان داریم.»

گفت‌وگوی ما با مهندس مهدی نوید، دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، پیرامون این محورها شکل گرفت؛ اگرچه در خلال مصاحبه دامنه بحث به سایر مقولات مرتبط با آنها نیز کشیده شد.

■ در مورد سیاست‌های کلی شورای عالی آموزش و پرورش توضیح دهید. آیا امروزه با گسترش دو وزارت‌خانه آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، فعالیتهای این شورا تحت‌الشعاع قرار نگرفته است؟ سیاست‌گذاریهای آن به چه صورت است؟

□ بله؛ شورای عالی آموزش و پرورش مرجع سیاست‌گذاری و تعیین خط و مشی برای آموزش و پرورش است. شورای عالی از قدیمی‌ترین شوراهای بلندپایه کشور است که قدمت آن به ۱۱۳ سال می‌رسد و به سال ۱۲۷۵ که در کشور «وزارت معارف» داشتیم، باز می‌گردد. اما هنگامی که وزارت فرهنگ در کشور شکل گرفت، این شورا هم به «شورای عالی فرهنگ» تبدیل شد. پس از آن، وزارت فرهنگ به سه بخش تقسیم شد که در سال ۱۳۴۳، وزارت آموزش و پرورش یکی از آن سه قسمت بود. از آن زمان این شورا هم به شورای عالی آموزش و پرورش تبدیل شد. به تعبیری از زمانی که وزارت آموزش و پرورش مستقل شد، شورای عالی آموزش و پرورش هم به وجود آمد و به تعبیر دیگر، از روزی که وزارت فرهنگ تشکیل شد، این شورا منشأ سیاست‌گذاری و تعیین مسیر شد.

به جای این که بر محور و قاعده «برد و باخت» به کارشناسی و داوری کتابهای کمک آموزشی اقدام کنیم، از قاعده «برد، برد» سود بجوییم. چرا که با این کار، هم شما به سود خود می‌رسید و هم ما برای دغدغه‌ها و مسائلمان پاسخ پیدا خواهیم کرد

تقریباً تمامی قوانین و مقررات ساری و جاری در آموزش و پرورش توسط این شورا تدوین و تصویب و در سیستم لحاظ شده است. در این شورا، هم صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت حضور دارند، هم دست‌اندرکاران وزارت‌خانه و هم نمایندگان دستگاههای ذی‌ربط. البته اساس‌نامه شورا در سال ۱۳۸۰ در مجلس شورای اسلامی تغییراتی پیدا کرد و ارتقای سطح سازمانی در آن به وجود آمد. قبل از آن، ریاست شورا بر عهده وزیر آموزش و پرورش بود، اما از سال ۱۳۸۰ به بعد، رییس جمهور، رییس شورا شد و هشت نفر از وزرا به عضویت شورا در آمدند که شامل وزیران آموزش و پرورش، آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رییس سازمان مدیریت، صنایع و معادن، و جهاد کشاورزی هستند؛ یعنی مسئولان نهادهایی که به گونه‌ای عملکرد نظام آموزش و پرورش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. شاید این تعبیر درست باشد که حضور این افراد بر تحکم ماموریتی این شورا تأثیر دارد و قاعدتاً بر برونداد نظام مؤثر خواهد بود. شورای عالی آموزش و پرورش تقریباً نهادی فرادستگاهی است که هم از وزارت آموزش و پرورش و معاونان وزیر در آن عضویت دارند، و هم بیرون از آموزش و پرورش اعضای در این شورا حضور دارند.

■ وظیفه اصلی شورای عالی آموزش و پرورش چیست؟ پژوهش و سیاست‌گذاری است یا این که جنبه اجرایی هم در آن دیده شده است؟

□ ببینید، اساساً شورا جنبه اجرایی ندارد و نمی‌تواند به طور مستقیم وارد مرحله اجرا و پیاده

کردن قوانین شود، اما جنبه قانون‌گذاری در شورا دیده شده است. یعنی قانون آن به تصویب مجلس محترم شورای اسلامی رسیده و مجلس بخشی از اختیارات خود را در زمینه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدارس و آموزش و پرورش به این شورا واگذار کرده است. آن چه که ما در شورا و بر اساس معاونت‌های ذی‌ربط تدوین و تصویب می‌کنیم به تصویب آقای رییس جمهور می‌رسد. وقتی هم که آقای رئیس جمهور آن را امضا کردند، به قانون تبدیل می‌شود و تخطی از آن تخطی از قانون به حساب می‌آید.

پس از آن ما به ابلاغ این قانون می‌پردازیم و همه مؤسسات آموزشی را به تبعیت از آن مکلف می‌کنیم. چون قانون مزبور برای همه مؤسسات آموزشی لازم‌الاجرا است، اگر بخواهیم به سؤال شما پاسخ درست داده باشیم، باید بگوییم که شورای عالی آموزش و پرورش در میانه دو قوه واقع شده است. از طرفی مجلس به این شورا اختیاراتی واگذار کرده است و از طرف دیگر، قوه مجریه که در رأس آن رییس جمهور قرار دارد، به تأیید و امضای مصوبات آن می‌پردازد. طبیعتاً بعد از آن هم همه مؤسسات و مراکز تعلیم و تربیت آن را اجرا و رعایت خواهند کرد و نمی‌توانند از مفاد تعیین شده عدول کنند.

متأسفانه
این ساماندهی چندان
تحقق پیدا نکرده و تنها
بخشی از آن توسط دوستان ما اجرا
شده است. این مصوبه تکلیف بسیار
سنگین تری را بر دوش سازمان پژوهش
و برنامه‌ریزی آموزشی گذاشته که
نیازمند سازوکارهای مدیریتی است
و باید به طور جدی تری وارد
صحنه شوند

■ یکی از این سیاستها که به تازگی توصیه شده، سامان‌دهی کتابهای آموزشی و کمک‌آموزشی است. در این باره توضیح دهید و بفرمایید که چه نیازی شورا را به تصویب این مصوبه ترغیب کرد؟

□ اخیراً در مورد بحث مهم و تأثیرگذار کتابهای آموزشی و کمک آموزشی مصوبه‌ای را طرح کردیم که به نظر من این مصوبه می‌تواند تحول‌آفرین باشد؛ البته اگر دوستان ما به طور جدی وارد صحنه شوند و با توجه به روح حاکم بر این مصوبه، بتوانند اهداف آن را عینیت ببخشند. همه ما مطلع هستیم که هر مصوبه زمانی به کارآمدی کافی و لازم خود می‌رسد که قابلیت اجرایی آن بالا باشد و ضمانت اجرایی داشته باشد.

■ ضرورت این طرح از کجا و به چه طریق احساس شد و روند آن چه صورتی داشت؟

□ سؤال بسیار خوبی مطرح کردید. می‌دانیم که امروزه بخش غیردولتی در مورد تولید رسانه‌ها و مواد آموزشی، اعم از مکتوب و الکترونیک که شامل بخشهای دیداری و شنیداری است، بسیار فعال است و تولیدات فراوان و گسترده‌ای دارد. این ظرفیت برون‌سازمانی برای شورا به عنوان یک رقیب مطرح است و می‌تواند کارهای آن را تضعیف کند؛ البته می‌تواند یک رفیق هم باشد و مکمل

کار ما به حساب بیاید. ما می‌توانیم این مجموعه تولیدات مراکز متعدد و متنوع را، هم تهدیدی برای آموزش و پرورش بدانیم و هم به عنوان یک فرصت به آن نگاه کنیم. این جزو حساسیتهای مهم و تأمل‌برانگیز این شورا است که بین این دو قطب مثبت و منفی تعادل ایجاد کند و زمینه رشد کیفی کتابهای آموزشی را فراهم کند.

■ نگاه شما به این ظرفیت برون‌سازمانی به چه صورتی است؟ آیا شما به عنوان رقیب به بخش خصوصی نگاه می‌کنید یا خیر؟ در مورد وضعیت دوگانه فرصت و تهدید در این مصوبه توضیح دهید؟

□ ما در این مصوبه نگاه فرصت‌گونه‌ای به این مجموعه داشتیم و کوشیدیم با حفظ اصول و مبانی تعلیم و تربیت از این فرصت برون‌سازمانی برای تحقق مأموریت‌های آموزش و پرورش کمک بگیریم. روح حاکم بر مجموعه به این صورت است که عرض کردم. در این زمینه تجربه بسیار خوب و موفق در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» وزارت آموزش و پرورش وجود داشت و آن تجربه سالهای سال برگزاری جشنواره کتابهای کمک آموزشی بود. طراحی آن جشنواره و تعاملی که با بخش غیردولتی داریم، به ما نشان داد که می‌توانیم از این ظرفیت حداکثر استفاده را ببریم، به گونه‌ای که دوستان ما در آمارها بیان می‌کنند، روزی که این جشنواره آغاز به کار کرد و ضوابط و معیارهای مناسب و مطلوب برای این دست کتابها تعیین و کتابهای تولیدی با آن معیارها سنجیده شد، تنها ۱۸ درصد آثار بر آن اصول منطبق بودند. اما امروزه این رقم به بالای ۴۰ درصد رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد که بخش غیردولتی خود را با شاخصها و استانداردهای مدنظر آموزش و پرورش هماهنگ کرده است.

من در مذاکره با مسئولان و مدیران متولی این جشنواره و برخی ناشران فعال در این حوزه، اصطلاحی را به کار بردم و گفتم به جای این که بر محور و قاعده «برد و باخت» به کارشناسی و داوری کتابهای کمک آموزشی اقدام کنیم، از قاعده «برد، برد» سود بجوییم. چرا که با این کار، هم شما به سود خود می‌رسید و هم ما برای دغدغه‌ها و مسائلمان پاسخ پیدا خواهیم کرد. شما به عنوان بخش غیردولتی و تجاری قاعدتاً به دنبال آن هستید که از سرمایه‌گذاری خود بیشترین بهره و سود مادی را کسب کنید، در عین این که دست به یک اقدام فرهنگی می‌زنید و این با رسالت ما در شورای عالی آموزش پرورش و وزارتخانه هم‌سو و هم‌جهت است. اگر ما این نقاط مشترک را پیدا کنیم و با دقت و کارشناسی بر آن تکیه کنیم، هر دو به اهدافمان می‌رسیم. خوش‌بختانه این نگاه و حاکم کردن قاعده «برد، برد» هر دو طرف را راضی کرد و امروز ما شاهد هم‌گرایی و هم‌افزایی این دو نیرو هستیم؛ هر چند که در هر دو گروه، افراد یا مؤسساتی هستند که صرفاً در پی اغراض و اهداف مادی و شخصی خود هستند و متأسفانه تولیدات نحیف و غیر استاندارد دارند که با اهداف ما هم‌سو نیست و گاهی هم در نظام ما خلل ایجاد می‌کند. به این صورت که ارتباطات ناصحیحی

با مدیران و مراکز ما برقراری می‌کنند و نظام تعلیم و تربیت ما را مخدوش می‌سازند.

■ آن چه که بازار کتابهای کمک درسی را آشفته می‌کند، سودجویی افرادی است که بدون توجه به چارچوب فرهنگی و نحوه صحیح آموزش، به تولید و عرضه کتاب دست می‌زنند. آیا شما در این مصوبه به این موضوع پرداخته‌اید؟

□ بله، دقیقاً. این مجموعه و این مصوبه یک بند مشخص دارد که جلوی چنین تخلفات آسیب‌زایی را می‌گیرد. این موضوع به قدری اهمیت دارد که باید به طور جدی جلوی آن را گرفت و تنها به کتابها، لوحهای فشرده و رسانه‌هایی اجازه ورود به بازار کتاب و مدارس را داد که با استانداردها و شاخصهای ما هم‌خوانی داشته باشند. در این مصوبه، شکل و شمایل قانونی و علمی دست یافتن به فعالیتهای پرورشی و آموزشی به طور جدی مدنظر بوده است که زمینه رشد و ارتقای سطح کیفی آموزش را فراهم می‌کند.

■ نهادهای آموزشی غیردولتی که در زمینه تولید کتابهای آموزشی فعال هستند، در مقایسه با گذشته، آثار مطلوب‌تری عرضه می‌کنند. اما به نظر می‌رسد که در این زمینه هنوز تا نقطه آرمانی فاصله داریم و این شاید نیازمند قانون‌سازیهایی دقیق‌تر باشد. ارزیابی شما از این موضوع چیست و آیا اساساً این خلأ و ضعف قانونی را می‌پذیرید؟

□ سؤال شما از اهمیت بالایی برخوردار است و از دگرگیرهای فکری و بحثهای دائمی ما در این شورا به حساب می‌آید. متأسفانه این ساماندهی چندان تحقق پیدا نکرده و تنها بخشی از آن توسط دوستان ما اجرا شده است. این مصوبه تکلیف بسیار سنگین‌تری را بر دوش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گذاشته که نیازمند سازوکارهای مدیریتی است و باید به طور جدی‌تری وارد صحنه شوند. حتی در صورت نیاز باید با صدا و سیما، رسانه‌ها و وزارت ارشاد اسلامی هماهنگی داشته باشند. آنها هم که بر بخش تولید نظارت دارند، به پی‌گیری این بخش بپردازند و کسانی که در توزیع و پخش کتاب دست دارند، به ورود این کتابها به مدارس توجه ویژه داشته باشند. این کار ساز و کار مدیریتی خاص خود را می‌طلبد و با دو سه نفر کار پیش نمی‌رود. باید حتماً در تشکیلات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بخش خاصی به این امر اختصاص داده شود. اعتباری نیز به آن اختصاص یابد و از نیروهای کارآمد و مجرب در آن استفاده شود. یعنی یک سازوکار مدیریتی شکل بگیرد که بتواند این بازار پر سود را سامان دهد. گردش مالی در این حوزه بسیار بالاست و اگر آموزش و پرورش آگاهانه و هوشیارانه وارد این میدان نشود، به دلیل این گردش مالی بالا و حجم عملیات فراوانی که در این بخش انجام می‌شود، نظام تعلیم و تربیت آسیب می‌بیند.

■ شما به نقش جشنواره کتابهای کمک آموزشی رشد اشاره کردید. به اعتقاد شما

برگزاری جشنواره چه تأثیری بر این سیاستهای کلی گذاشته است؟

□ از کارهای بسیار ارزشمند و مفید فایده‌ای که در دهه گذشته در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی متولد شد، برگزاری جشنواره کتابهای آموزشی رشد بوده است. ما قدردان دست‌اندرکاران این فعالیت اثربخش هستیم که ذهنها را به معیارها معطوف کرد. این موضوع، هم از منظر تولیدکنندگان و هم از منظر مصرف‌کنندگان قابل بررسی است و از هر دو جنبه بهره‌ها و عواید فراوانی داشته است. باید دقت داشته باشیم که از این مجموعه بتوانیم حداکثر استفاده را ببریم، چه در بخش تولید و چه در بخش مصرف. این شاخصها و استانداردها، چه در نگاه محتوایی و چه در بحثهای فنی، موجب ایجاد هوشیاری عمومی شده است. در واقع این موضوع یک گام مثبت به شمار می‌آید و لازم است گامهای دیگری برداریم تا این مجموعه کامل شود.

مراکز
تولید از طریق
مجاری ذیربط نظارت
شوند و در توزیع و مصرف
این کتابها از آن رو که به
آموزش و پرورش مربوط
هستند، کنترل صورت
بگیرد

■ درباره سازوکارهای مدیریتی علاوه بر طرحهای جامع و قابل اجرا، نیازمند

افراد متخصص و کارشناس هستیم. آن هم تحت شرایطی که بخش خصوصی در این مسئله فعال است. ضرورت چنین اقداماتی را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

□ همان‌طور که اشاره کردم، باید ساز و کارهای مدیریتی آن را فراهم آورد و از نیروهای مجرب کمک گرفت و متوجه بود که مراکز تولید از طریق مجاری ذیربط نظارت شوند و در توزیع و مصرف این کتابها از آن رو که به آموزش و پرورش مربوط هستند، کنترل صورت بگیرد. تصور من این است که به دلیل اعتمادی که خانوادهها به آموزش و پرورش دارند، اگر این وزارتخانه مقتدرانه وارد میدان شود و به طور صریح استانداردهای خود را اعلام کند، می‌تواند بازار عمومی و فرهنگ عمومی جامعه را هدایت کند.

■ آن‌چه که در مورد کتابهای کمک آموزشی قابل رؤیت است، توجه بیشتر بخش خصوصی به این کتابهاست. آیا این موضوع بیانگر آن نیست که بخش خصوصی نیازسنجی درست‌تری نسبت به بخش دولتی دارد؟

□ بله، یک بخش از قضیه می‌تواند به این موضوع برگردد. در واقع نیازسنجی این گروهها و بخش غیردولتی خوب و جامع است و با معیارها و شاخصهایی که ما در بخش دولتی و آموزش و پرورش داریم، متفاوت است و یا در برخی مسائل قدری تفاوت دارد. این موضوع می‌تواند از این منظر مورد توجه قرار بگیرد که شورای عالی آموزش و پرورش و خود وزارتخانه و نهادهای ذی‌ربط آن، عموم دانش‌آموزان را در سراسر کشور در بر می‌گیرد و آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. این در حالی است که بخش خصوصی از این مسئله تا حد زیادی فارغ است و غالباً با طیف خاصی



ارتباط پیدا می‌کند.

البته جدا از این مسئله انتقاداتی هم به کار ما وارد است. مثلاً یکی از نواقص و کاستیهای ما این است که آموزش و پرورش یک نوع کتاب درسی را برای همه افراد در سن و مقطع مشخصی تولید می‌کند. این موضوع خودش می‌تواند مشکل‌آفرین باشد؛ چرا که سطح شناخت، جهان‌بینی و محیط پیرامونی دانش‌آموزان در شهرهای متفاوت یکسان نیست. اما از سوی دیگر، این کار موجب وحدت رویه می‌شود و ما را بر آن می‌دارد که در کتابها تنوعات و جذابیت‌های فراوان به کار ببریم تا بتوانیم به تنوعات اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی با تمام تفاوت‌هایشان پاسخ بدهیم. حتی این تنوعات و توجه به تفاوتها، موارد فردی را هم شامل می‌شود. همین موضوع موجب می‌شود که بازار این دست کتابها گرم باشد.

مسئله دیگری هم که در این حوزه وجود دارد، بحث سازوکار نادرستی است که در نظام آموزشی ما وجود دارد و آن هم بحث مسئله‌برانگیز و حساس کنکور است. کتابها باید به این موضوع هم پاسخ بدهند و البته بخش خصوصی به دلیل سودآوری و دلایل دیگر در این حوزه فعال است. اما ما نمی‌توانیم به عنوان یک نهاد و ارگان دولتی به آن پاسخ دهیم. آنها انواع و اقسام کتاب تست، کتاب کار و سؤال و جواب تشریحی را تولید و به بازار عرضه می‌کنند. اما ما چون در اساس با این موضوع موافق نیستیم و این طرز نگاه به کنکور را نمی‌پسندیم، هیچ کتاب تستی تولید نمی‌کنیم. طبیعی است که بازار این فعالیتها به طور کلی در دست بخش خصوصی است.

بخش
خصوصی انواع و
اقسام کتاب تست، کتاب
کار و سؤال و جواب تشریحی را
تولید و به بازار عرضه می‌کنند. اما ما
چون در اساس با این موضوع موافق
نیستیم و این طرز نگاه به کنکور را
نمی‌پسندیم، هیچ کتاب تستی
تولید نمی‌کنیم

■ این که از یک سو ما مسئله کنکور را مطرح می‌کنیم و از سوی دیگر به عنوان یک نهاد سیاست‌گذار به آن بی‌توجهی می‌کنیم، نشان از یک تضاد در خط مشی ما ندارد؟
□ بله، همین‌طور است. این کاستی و ضعفی است که در نظام آموزش و پرورش وجود دارد. ادعای ما هم این نیست که کار ما بی‌عیب است، در سالهای اخیر، خوش‌بختانه مجلس محترم برای رفع این مشکل تدابیری اندیشیده است. حتماً در جریان هستید که قانون حذف کنکور به تصویب رسیده است و اگر به یاری خداوند عملیاتی شود، این مسئله و نقیصه رفع و حل می‌شود. ما هم امیدواریم اجرایی شدن این قانون به این سیاست دوگانه موجود پاسخ دهد.

■ آقای مهندس نوید، آن چیزی که در طرح تصویبی به چشم می‌خورد، جدا کردن کتابهای کمک آموزشی و کمک درسی از یکدیگر است. در فرهنگ عامه این دو به یک معنا به کار می‌روند. شما چه تفاوتی بین این دو قائل هستید؟
□ سؤال بسیار خوبی طرح کردید. ببینید! ما مجموعه کتابی تحت عنوان کتابهای درسی داریم

که توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تولید و در سطح مدارس کشور توزیع می‌شود. اعم از ریاضی، فیزیک، فارسی و غیره. کتابهایی را که حول محور این کتابها تولید می‌شوند و مکمل این کتابها هستند، کتابهای کمک درسی می‌نامیم. در این کتابها همان مفاهیم کتابهای درسی وجود دارند، منتها به شیوه دیگری بیان شده‌اند و بسط و گسترش بیشتری دارد. برای مثال، اگر در کتاب درسی ما یک مثال برای مطلبی آورده شده، در آن کتابها ۱۰ مثال آمده است. این نوع کتابها که مبتنی بر سرفصل و موارد درسی هستند، کتابهای کمک درسی محسوب می‌شوند. اما کتابهای کمک آموزشی جدا از این کتابها هستند. مثلاً در مورد کتابهای کمک درسی دورهٔ دبستان، اکثر مطالب به طور داستانی و در قالبهای جذاب و شیرین مطرح می‌شوند و به این وسیله، توانایی خواندن و نوشتن در بچه‌ها به وجود می‌آید و تقویت می‌شود. این کتابها از لحاظ هدف غایی و نهایی با ما هم‌خوان است، ولی شکل و شمایل آن مطابق کتاب فارسی ما نیست.

■ توضیحات شما ناظر بر کدام وجه از این آشفتگیهاست؟ آیا شما به کتابهای کمک آموزشی و کمک درسی نظر دارید و هر دو را دچار این مشکل می‌دانید؟ البته در کنکور این وضعیت در هر دو صورت چندان مطلوب نیست. نظر شما چیست؟

□ من هم با نظر شما کاملاً موافق هستم. در بحث کنکور که بعضیها از تب کنکور یاد می‌کنند، شما این آشفتگی را می‌بینید. اما نقدها و انتقاداتی را که من مطرح کردم، ناظر بر دو وجه کتابهای کمک‌آموزشی و کمک‌درسی بود. مثلاً در همان کتاب فارسی که مثال زدم، می‌بینم ناهم‌خوانیهای زیادی از نظر اسلوب و روش با متن کتاب می‌بینیم یا بدآموزیهای اخلاقی و برای کودکان دارند. حتی بعضی از داستانها و کتابهای ترجمه شده بار غیر فرهنگی و ضد فرهنگی برای کودکان دارد. جالب است که این کتابها در بازار عرضه می‌شوند و به در مدارس ما هم راه می‌یابند و فضای ذهنی و رفتاری دانش‌آموز را متاثر می‌کند. این مسائل باید سر و سامان بگیرند و نمونه‌هایی که اصول تربیتی را رعایت نکرده‌اند و ضد اخلاق و فرهنگ هستند، باید اصلاح شوند.

■ به نظر می‌رسد که این اصلاح کتابهای کمک آموزشی و کمک درسی به نوعی با فعالیتهای وزارت ارشاد همپوشانی پیدا می‌کند؟

□ بله همین‌طور است. ما مسئول نظارت بر فرایند تولید کتاب نیستیم و این درست مسئولیت اصلی و اساسی وزارت ارشاد است. ما می‌توانیم خواسته‌های خودمان را به آنها اعلام کنیم و از معیارها و استانداردهایمان یاد کنیم. خوش‌بختانه نوع مناسبات و مراودات ما با وزارت ارشاد به گونه‌ای است که آنها پذیرای نظرات و خواسته‌های ما هستند و می‌پذیرند که معیارهای ما را در فرایند نظارت خود حاکم کنند.

■ این خواسته‌ها و معیار و اصولی را که شما مدنظر قرار می‌دهید و حتی آن را به وزارت ارشاد توصیه یا گوشزد می‌کنید، چه هدف اصلی و نهایی را دنبال می‌کند؟

□ تصور من این است که چه در زمینه رسانه‌های مکتوب هم‌چون کتاب و چه در زمینه رسانه‌های الکترونیک نمی‌توانیم محدودیت ایجاد کنیم. چون که فضای اجتماعی ما اقتضای تولید چنین آثاری را دارد. امروزه یادگیری نه در کلاس درس و داخل مدرسه‌ها، که در محیط اتفاق می‌افتد. در محیط یادگیریها عوامل و مسائل پیدا و پنهانی بسیاری دخالت دارند که بخشی از آنها هم رسانه‌ها هستند؛ رسانه‌هایی که شکل مکتوب آنها کتاب است و صورتهای دیگرشان در اینترنت، ماهواره‌ها، فیلمها و سایتها اتفاق می‌افتد. دیگر دست ما نیست که این عوامل را مدیریت کنیم.

ما باید به سمت و سویی حرکت کنیم که نظام مصون بماند. صورت مطلوب آن مصون‌سازی آدمهای محیط است. این که دانش‌آموز به تفکر نقادانه و شاخصهایی دست پیدا کند، بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد و خودش توانایی نقد و مهارت خوب خواندن را داشته باشد. این نکته ظریف و با اهمیتی است. یعنی اگر کودک ما تشخیص دهد چه کتابی را بخواند و چه کتابی را نخواند، ما در جهت درستی حرکت کرده‌ایم. اگر این کتابها، فیلمها و موسیقیها در جهت رشد باشند، بچه‌ها هم به سوی رشد و تعالی پیش می‌روند. نقطه مطلوب و حد نهایی ما این است که بتوانیم این مدل مصونیت را در کودکان ایجاد کنیم که مدل قرآنی‌اش این است که بتوانیم تقوا را در آنان ایجاد و تقویت کنیم.

اما یک پله پایین‌تر از آن باید نظام را مدیریت کنیم که یا چنین رسانه‌هایی را تولید نکنیم، یا اگر تولید و عرضه شدند، به آنها تا جایی که محل تعلیم و تربیت صحیح نباشند، میدان کار و فعالیت بدهیم. اگر این فرآیند، طراحی و به خوبی اجرا شود، حداقل مدارس ما را مصون می‌کند و به دلیل مقبولیت و مرجعیتی که آموزش و پرورش در اذهان عمومی دارد، می‌تواند جامعه را واکنش‌ناپذیر کند. ما با اعلام کردن این شاخصها و معیارها می‌توانیم اعتماد مردم را جلب کنیم. اگر روزی بتوانیم چیزی شبیه مهر استاندارد روی کالاها برای کتابها دست و پا کنیم، به نقطه خوبی رسیده‌ایم. مهر استاندارد تولیدکننده را محدود می‌کند که برای جلب بازار اصولی را رعایت کند. بنابراین اگر این توانمندی ایجاد شود که مهر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان نوعی استانداردسازی در ذهن مردم باشد، مخاطبان کتابی را می‌خرند که مهر استاندارد داشته باشد و به همین ترتیب، فیلم، مجله و سایتها خوب را با استاندارد می‌سنجند. این شرایط تولیدکنندگان را مجاب می‌کند که کار را به نحو احسن انجام دهد.

اگر کودک ما
تشخیص دهد چه
کتابی را بخواند و چه
کتابی را نخواند، ما در
جهت درستی حرکت
کرده‌ایم